

کاغذ رنگی

کفت وکوی سعیده خجسته پور، با دکتر عبدالحسین فرزاد

ویژه نامه جیدی ماجیا

ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

امیرنادر الهی

یانگ او

منصور ثروت

حسام الدین خجسته پور

محمدحسین عزیزی

عبدالحسین فرزاد

الهام سادات میرزانی

فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی، سال دوم، شماره های ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، قیمت ده هزار تومان

۷-۸



جیدی ماجیا ۱۹۶۱
JIDI MAJIA 1961

بسم الله الرحمن الرحيم

کاغذ

فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی، سال دوم، شماره‌های ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سعیده خجسته‌پور

سردبیر: سعیده خجسته‌پور

طراح نشان و جلد: جواد آتشیاری

خوانندگان فرهیخته:

فصلنامه‌ی تخصصی کاغذرنگی، مجله‌ای است که در زمینه‌ی ادبیات فارسی فعالیت می‌کند، و به معرفی ادبیات و چهره‌های ادبی ایران و جهان می‌پردازد. اگر مایل به ارسال مطلب برای ما هستید، می‌توانید مطالبتان را از طریق ایمیل مجله یا سردبیر ارسال نمایید. نظر نویسندگان لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست. نشریه‌ی کاغذرنگی در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است، و هرگونه برداشت مطالب و عکس از نشریه کاغذرنگی با ذکر منبع آزاد است.

ایمیل مجله: kaghazrangimag@yahoo.com

ایمیل سردبیر: khojastepour_sa@yahoo.com

نشانی پستی: ایران، تهران، صندوق پستی ۳۵۹۸-۱۵۸۷۵

نشانی: تهران، میدان هفت تیر، خیابان مشهدی، پلاک ۳

تلفن: ۰۹۱۹۰۲۶۹۲۳۷

فاکس: ۸۸۸۳۹۷۱۵

آغاز سخن

۴

به نام خالق جان و دل / سعیده خجسته‌پور

ویژه‌نامه

- ۶ مروری بر زندگی و آثار جیدی ماجیا، شاعر معاصر چین / دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق
۱۳ کوتران پیکاسو/ بخشی از منظومه‌ی «من، پلنگ برقی» جیدی ماجیا/ ترجمه: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق
۲۸ بگذاویم شعر به عظمت روح نفوذ نماید / یانگ او/ ترجمه: دکتر الهام سادات میرزانی
۳۴ شعرو شاعری از نگاه جیدی ماجیا، بخشی از دو سخنرانی جیدی ماجیا/ ترجمه: امیرنادر الهی

گفت‌وگو

- ۳۸ جایگاه ادبیات داستانی در ادبیات امروز ایران، گفت‌وگو با دکتر عبدالحسین فرزاد/ سعیده خجسته‌پور

حدیث سرو و گل و لاله

۵۴

خانه‌ی خار، رمان امروز ایران / دکتر عبدالحسین فرزاد

چهره‌های ادبی

۶۴

درآمدی بر شعرو شاعران معاصر چین / دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

۷۷

برگزیده‌ای از اشعار شاعران معاصر چین/ ترجمه: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

سفرنامه

۸۳

کشور وسط دنیا، رهاورد سفر چین / دکتر منصور ثروت

کتابخانه

۱۰۲

نگاهی بر کشور وسیع چین، کشور وسط دنیا اثر دکتر منصور ثروت / سعیده خجسته‌پور

۱۰۵

سرگذشت نام‌های یک آهنگساز، وردی: تیروی سرنوشت اثر دنا همفریز/ دکتر محمد حسین عزیزی

۱۰۸

کاوشی در فرهنگ ایران و زبان پارسی، زرتین سخن اثر دکتر باقر قربانی زرتین / حسام الدین خجسته‌پور

آغاز سخن



به نام خالق جان و دل

« به نام آن که جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

ز فضلش هر دو عالم گشت روشن ز فیضش خاک آدم گشت گلشن» (شیخ محمود شبستری)

پروردگار توانا را برای به ثمر رسیدن تلاش هایمان در راه اهداف و آرمان هایمان در عرصه علم و ادب و فرهنگ سپاسگزاریم، و خرسندیم که باری دیگر، کاغذ رنگی جدیدی برایتان به ارمغان می آوریم. خوانندگان فرهیخته و همراهان همیشگی، به دلیل تأخیر در چاپ شماره فصل پاییز، تصمیم بر آن گرفتیم که شماره های ۷ و ۸ را در یک جلد و در فصل زمستان پیشکش حضور سبزان کنیم. همان طور که خوانندگان گرمی مستحضر هستند در هر شماره در بخش ویژه نامه به یکی از شخصیت های مطرح ایران و جهان در عرصه شعر و نویسندگی پرداخته ایم، در این شماره هم ویژه نامه را به یکی از شاعران برجسته و معاصر کشور بهنامور چین، «جیدی ماجیا» اختصاص داده ایم. جیدی ماجیا، زاده ۱۹۶۱ از ناحیه ی خود مختار «لیان شان یی» واقع در «سیچوان» چین، و فرزند یکی از بزرگ زادگان قوم «نوسو» است. در اشعار وی مضامینی چون بی عدالتی، تبعیض و عدم خشونت به چشم می آید. دغدغه وی وضعیت انسان معاصر است که آن را با شعرش نقد می کند. او در جوانی تحت تأثیر یک ترجمه از آثار پوشکین به زبان چینی قرار گرفت و به شعر روی آورد، و مجموعه اشعار خود را به چاپ رساند، و تاکنون برگزیده اشعارش به زبان های مختلف دنیا از قبیل: انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، آلمانی، کره ای و... ترجمه و چاپ شده است. برخی از آثار وی به زبان چینی عبارتند از: «آواز عشق اول»، «رؤیای فردی از قوم "ای"»، «آفتاب رُم»، «واژه ی فراموش شده»، «زمان» و...، همچنین وی در جشنواره ها و همایش های سراسری شاعران و نویسندگان شرکت، و جوایز بین المللی را کسب کرده است. هم اکنون او رئیس انجمن ادبی اقلیت های چین و معاون دائمی انجمن شاعران چین است. در این راستا در بخش چهره های ادبی نیز دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور به شعر و شاعران معاصر چین پرداخته اند، و نمونه ای از اشعار شاعران مطرح چین را ترجمه کرده اند. در بخش گفت و گو به دیدار دکتر عبدالحسین فرزاد، نویسنده، پژوهشگر، منتقد، مترجم، شاعر و استاد دانشگاه رفتیم، و پرسش هایمان را در زمینه جایگاه ادبیات داستانی و اولین رمان چاپ شده ایشان با عنوان «خانه ی خار» مطرح کردیم. در بخش سفرنامه نیز در راستای بحث ادبیات چین، مقاله ای از دکتر منصور ثروت آورده شده که این مقاله برگرفته از کتاب «کشور وسط دنیا» به قلم نویسنده است که البته با کسب اجازه و تحت نظر ایشان برگزیده شده است. امید است این شماره ها نیز مورد قبول و پسند شما بزرگواران قرار گیرد.

«مانده تا برف زمین آب شود. / مانده تا بسته شود این همه نیلوفر وارونه چتر. / ناتمام است درخت. / زیر برف است تمنای شنا کردن کاغذ در باد. / و فروغ تر چشم حشرات / و طلوع سر غوک از افق درک حیات. / مانده تا سینی ما پر شود از صحبت سمبوسه و عید...» (سهراب سپهری)

با سپاس

سعیده خجسته پور



ویژه نامه

من فرزند راستین کوه‌های برف خیزم

مروری بر زندگی و آثار جیدی ماجیا^(۱)

شاعر معاصر چین

دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

جیدی ماجیا، شاعر معاصر چین، از ناحیه‌ی خودمختار «لیان شان یی»^(۲) واقع در کوهستان غرب «سیچوان»^(۳) از قوم «نوسو»^(۴) برخاسته، اما شاعری است جهان وطن و درون‌مایه‌ی جهانی‌شدگی در سنتی‌ترین و عاطفی‌ترین اشعار او موج می‌زند. شاعری که در عمق خود بومی‌گرا، طبیعت‌گرا و انسان‌گرای رمانتیک در جهانی غیررمانتیک است و در عین حال، فارغ از شرایط انسان معاصر و بحران‌های اجتماعی و سیاسی نیست، بلکه ناقد وضعیت انسان معاصر است. طرد خشونت، بی‌عدالتی و تبعیض در لابه لای اشعار عاطفی، تخیلی او دیده می‌شود.

پیام شاعر در یک بُعد کلی، نزدیک شدن و آشتی با طبیعت است، طبیعتی که خدشه دار و زخمی شده، مانند طبیعت ناب کوهستان برف خیز لیان شان. از این نظر، بسیاری از اشعارش به اشعار طبیعت‌گرا و رمانتیک شاعر و نقاش بلندپایه‌ی سرزمین ما، سهراب سپهری، شباهت دارند. آشکارا می‌توان گفت که منظومه‌ی بلند «من، پلنگ برفی»^(۵) در روزگار مینی مالیستی ما یادآور منظومه‌ی بلند و شاهکار شعری قرن بیستم، «سنگ خورشید»^(۶)، اثر اکتاویو پاز^(۷) است. شاعر در این منظومه مانند پاز جهان معاصر فاقد عشق راستین را به نقد می‌کشد و بی‌عدالتی، خشونت و شکستن قوانین طبیعت را از زبان یک پلنگ که به دست انسان سنگدل زخمی شده بیان می‌کند.

1) Jidi Majia

2) Lian Shan Yi

3) Sichuan

4) Nousu

5) I, Snow Leopard

6) Sunstone

7) Octavio Paz



• جیدی ماجیا (زاده ۱۹۶۱ م.)

جیدی ماجیا، فرزند یکی از بزرگ زادگان قوم نوسو، در سال ۱۹۶۱ م. در سیچوان زاده شد. پدرش پس از استقلال چین (۱۹۴۹) به منصب مهمی در منطقه‌ی نوسودست یافت. جیدی ماجیا در جوانی به شعر رو آورد و این هنگامی بود که ترجمه‌ی چینی یکی از آثار «پوشکین» به دستش رسیده بود. از آن پس در اشعار خود در پی هویت و دیدگاه معنوی بود و مجذوب حماسه‌ها و فرهنگ عامه‌ی قوم نوسو شد. پس از پایان تحصیل به زادگاهش برگشت و اشعار او در سطح استان آوازه یافت و نوشته‌هایش در مجله‌ی ستارگان در سیچوان منتشر شد. در ۱۹۸۶ رتبه‌ی ملی را در شعر و شاعری احراز کرد، و دست‌پرورده‌ی شاعر بزرگ ملی چین، «آی چینگ»^(۱) شد. آنگاه تحت تأثیر آثار شاعران مطرح جهان مثل سزار وایخو^(۲)، اکتاویو پاز، پابلو نرودا^(۳) و دیگر چهره‌های برجسته‌ی شعر جهان قرار گرفت.

جیدی ماجیا در همایش‌های جهانی نویسندگان و شاعران سراسر دنیا شرکت کرد و یک ماه شاعر مهمان در برنامه‌ی گردهمایی بین المللی نویسندگان جوان در ایالات متحده آمریکا بود. او جشنواره‌های بزرگ فرهنگی مانند جشنواره‌ی بین المللی شعر چینگ‌های را از سال ۲۰۰۷ سازماندهی کرد. هر دو سال، بیش از پنجاه شاعر از بسیاری از کشورهای جهان برای شرکت در این جشنواره دعوت می‌شوند. از ایران، «محمد شمس لنگرودی» و نگارنده در جشنواره‌ی ۲۰۱۵ شرکت کرده بودیم. جایزه‌ی جشنواره‌ی چینگ‌های با نام «جایزه‌ی آهوی زرین تبت» در سال ۲۰۱۳ به «آدونیس»^(۴) شاعر پراوازه‌ی سوری و «سیمون ج. اُرتیس»^(۵) شاعر بومی آمریکا، و جایزه‌ی سال ۲۰۱۵ به یک شاعر پراوازه‌ی روسی «الکساندر کوشنر»^(۶) تعلق گرفته است.

1) Ai Ching

2) César Vallejo

3) Pablo Neruda

4) Adonis

5) Simon J. Ortis

6) Alexander Kushner

جیدی ماجیا در سفری که در ۱۳۹۳ به تهران داشت به کمک نگارنده، نمایشگاه عکس‌های هنری از طبیعت سیچوان و تبت را در سرسرای دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به نمایش گذاشت. در این سفر با هماهنگی بنده و علی اصغر محمدخانی، مدیر موسسه فرهنگی شهر کتاب با گروهی از شاعران ایرانی مانند: محمد شمس لنگرودی، حافظ موسوی، محمود معتقدی، موسی اسوار، گروس عبدالملکیان و دکتر رضا میرزایی استاد زبان و ادبیات چینی دیدار و گفت‌وگو داشته است.

جیدی ماجیا برنده‌ی جوایزی مانند: سومین جایزه‌ی ملی شعر چین، جایزه‌ی ادبی گوئومورو، جایزه‌ی ادبی جوانگ جونگون^(۱)، چهارمین جایزه‌ی ادبی شعر اقلیت‌های چین، جایزه‌ی یادبود شولوخف، جایزه‌ی انجمن نویسندگان بلغارستان و جایزه‌ی ادبی روگانگ^(۲) شده است. بیرون از چین، او جایزه‌ی بین‌المللی انسان دوستانه‌ی مخیوا^(۳)، جایزه‌ی روح شاعرانه‌ی چین، انجمن بین‌المللی قلم چین، و در سال ۲۰۱۶ مدال اروپایی هومر در شعر و هنر را کسب کرد. همچنین در جشنواره‌ی بین‌المللی شعر مدلین^(۴) شرکت جست. او اکنون رئیس انجمن ادبی اقلیت‌های چین و معاون دائمی انجمن شاعران چین است. برگزیده‌ی آثار او به بیش از بیست زبان ترجمه و در ۳۰ کشور منتشر شده است، از جمله اشعار او به انگلیسی در آمریکا (انتشارات دانشگاه آکلاهما) و آفریقای جنوبی (انتشارات ژوهانسبورگ) منتشر شده است. همچنین ترجمه‌ی منظومه‌ی «من، پلنگ برفی» به قلم دوستم «دنيس ماير»^(۵) به انگلیسی، و نیز اشعار او به فرانسوی، اسپانیایی، آلمانی، کره‌ای و چندین زبان دیگر انجام شده که از سوی انتشارات زبان‌های خارجی منتشر شده است. «بری لوپس»^(۶)، طبیعت‌گرایی مشهور، شیفته‌ی این منظومه‌ی بلند شده که برگزیده‌ی اشعار او به انگلیسی مقدمه‌ای نوشته است. برگردان فارسی منظومه‌ی «من، پلنگ برفی» و برگزیده‌ی اشعار «واژگان آتش» به قلم نگارنده در مجموعه‌ای به همین نام به سه زبان فارسی، انگلیسی و چینی در تهران منتشر شده است.

در منظومه‌ی «من، پلنگ برفی»، راوی خود را این گونه معرفی می‌کند:

«من فرزند راستین کوه‌های برف خیزم

نگرنده برانزوا

بی گمان، خون و تبارم نژاده بود...

با تباری از نیاکانم»

- 1) Juang Jong
- 2) Rugang
- 3) Mechiuva
- 4) Medeline
- 5) Denis Mair
- 6) Barry Lopez



• جیدی ماجیا در مراسم افتتاحیه مجارستان در بوداپست در ۲۲ ماه مه ۲۰۱۷ که توسط باشگاه قلم مجارستانی در قلعه

سلطنتی، به مناسبت اشعار برگزیده‌ی مجموعه «من، پلنگ برفی» با حضور خود شاعر برگزار شد.

و اعتراف می‌کند:

«هرگز اینجا را ترک نخواهم کرد

حتی زمانی که مرگ این چکادهای برفی را فرا گیرد»

این تصویر زیبا، نشان دهنده‌ی پیوند عمیق با ریشه‌های طبیعت و زادبوم است. راوی می‌گوید: «هرگز نمی‌خواهی دید برای این کره‌ی خاکی سرشار از تظاهر و کشتار» و این حس را منتقل می‌کند که نیاز انسان معاصر به همدلی یکدیگر امری محتوم است.

به عبارت دیگر، «من، پلنگ برفی» منظومه‌ای بلند در ستایش و پاسداشت طبیعت است: «بعضی گویند خدای کوهستانی که من به او خدمت می‌کنم

هیچ طاعون یا فاجعه‌ی برفی به بار نمی‌آورد»

یا در یک حس عاشقانه به طبیعت می‌گوید: «اما بیشتر دوست دارم به ستاره‌های آسمان خیره شوم و فراموش کنم تا چه مدت، جویبار اشک از چشمانم جاری است.»

در عین حال در طبیعت ناب، کشتار و ویرانی رخ می‌دهد و پلنگ زخمی می‌شود، در حالی که «کوه‌ها حق‌کنان صدای زخمی سردادند».

آنجا که «من، پلنگ برفی» با منظومه‌ی سترگ «سنگ خورشید» خویشاوندی می‌یابد، شاعر، منتقد خشونت، کشتار، نادادگری و تبعیض در جهان معاصر است و می‌گوید من انعکاس خورشیدم. در هم‌زمانی با پاز می‌گوید: «سرنوشت ما، سفر در انزواست...» حتی در سطرهای میانی منظومه، شاعر، هم از نظر ساختار و هم از نظر محتوا به سنگ خورشید اکتاویو پاز نزدیک می‌شود: «پیگرداغ... نیروی تمرکز زدا... سقوط آزاد... جرقه‌ی آتش... تیراندازی

کمان شهوت... جواهر خوب سفته... هوای تجزیه شده»

یا

«آرواره‌های به هم فشرده... نگرانی... فسفر سیاهرگ‌ها... هدیه لذیذ

امواج تنفس... صعود ناگهانی... شدت مثل استارت

رقص کوبنده... تکانه مرگ در ستیغ... تهی شدن... تهیگی.»

در پایان منظومه، شاعر آرزومند است که در جهان آشوب زده‌ی معاصر، همه یکدیگر را تحمل کنند و بر آن است که رواداری در این جهان متلاطم منجر به صلح جهانی خواهد شد: «مرا تحمل کن! این یک وداع نیست.»

«من، پلنگ برفی» منظومه‌ای بلند درباره‌ی کوهستان «کونلون»^(۱) واقع در جنوب استان «چینگ‌های»^(۲) در امتداد مرز تبت است. کونلون، سرچشمه‌ی دو رود اصلی و حیاتی چین، «یانگ تسه» و «رود زرد» است. از کوهستان کونلون در بعضی اسطوره‌های آفرینش در اساطیر چین یاد شده است. جیدی ماجیا، این منظومه را برای یک نمایش رقص، برپایه‌ی اسطوره‌های تبتی، چینی و اساطیر «یی»^(۳) مربوط به رشته‌کوه کونلون سروده است. این نمایش با نام «قلمرو اسرارآمیز چینگ‌های» در سیمای ملی چین به نمایش درآمد. چندین اسطوره‌ی اصلی چینی، خاستگاه از خلق چین دارند.

«بیمو»^(۴) (کاهن آیین‌ها) عصای نیایش و زنگ را در دود آتش به چرخش درمی‌آورد و متون کهن را از بر می‌خواند. مردم نوسوبه‌راستی، کیشی را زگونه دارند که شامل مجموعه‌ای از آیین‌های فصلی، حماسه‌هایی درباره‌ی نیاکان ایزدی و داستان‌هایی درباره‌ی ارواح طبیعت است. این از آن روست که کیش نوسویی، گونه‌ای حس تعلق به محیط طبیعی را ترویج می‌کند و به راستی شاعر توانسته این را زگونه‌ی را در این منظومه و در دیگر اشعارش از جمله اشعار مجموعه‌ی واژگان آتش به تصویر کشد.

در این مجموعه با انبوهی از شعرهایی روبه‌رو می‌شویم که پیامشان انسانیت، عشق، یگانگی با طبیعت، ستایش وطن و زادبوم و اقوام بومی «یی» و «نوسو» است: «من تاریخ نوشته شده بر این سرزمینم به زبان نوسو...»

نامم سرشار از امید

شعر انسانیت است

شکل گرفته هزاران سال

توسط زنی در دوک نخ ریزی‌اش»

یا

«من بازمانده هزاره‌ام

از تبار عشق و خیال‌پردازی»

1)Kunlun

2)Ching Hai

3)Yi

4)Bimo

نوسویی‌ها هرچند در روستاهای مرتفع کوهستان می‌زیند، اما شاعر سعی می‌کند با یگانه شدن با ریشه‌های بومی و سنتی، با جهان شرق و غرب نیز یگانه شود و این یگانگی را ترویج می‌کند. در شعر «سازدهنی، سازِ پیر»، یکی از بهترین اشعار این مجموعه، این حس را منتقل می‌کند:

«بال‌های درخشان یک سنجاقک به صدا درخواهد آمد

در گنبد آفتابی آسمان آواز می‌خواند...

آواز می‌خواند در شرق

آواز می‌خواند در غرب»

از این گذشته، روح انسانی مسخ شده در سنجاقک‌ها، سویی‌ی عرفانی به شعر می‌بخشد که متأثر از ذن بودیسم سنت داثویی و اسطوره‌های نوسویی است. شاعر از طریق آشنا کردن مخاطب با سنتی‌ترین جشن‌ها و مراسم بومی نوسو، خود در احیای این سنت‌ها سهیم است، مانند: مراسم «کوشی»^(۱) (سال نو)، «دوزای»^(۲) (جشن مشعل یا «جشن بازگشت ستاره‌ها»)، جشن «وابوزه»^(۳) (خروس جنگی) و غیره.

دغدغه‌ی اصلی جیدی ماجیا بی گمان یگانگی با طبیعت و کوهستان ناب است. این حس عمیق را در شعر «راپسودی به رنگ سیاه» آشکارا می‌بینیم:

«بگذار تنم یک بار دیگر جنین‌ات باشد

بگذار در شکمت بارور شوم

بگذار خاطره‌ی محو شده از نو متورم گردد»

یا مسحور شنیدن صدای «قوقولی قوقو» در سپیده دم می‌شود، چنان‌که در شعر «انتظار» وصف می‌کند.

شاعر، گاه حس فلسفی و خیام وار دارد و در برخی از اشعار مجموعه‌ی «واژگان آتش» این حس را با تصاویر زیبا، از جمله تصویر سحرآمیز «جهان سفید مرگ» را در شعر «جهان سفید» نشان می‌دهد که سرچشمه گرفته از اعتقادات بومی نیاکان «بیمو» است. این حس فلسفی را در اشعار دیگر از جمله در شعر «موج نامرئی» آشکارا می‌بینیم:

«همه‌ی زندگان روح دارند و آنان که می‌میرند

می‌روند تا میان زمین و آسمان بیارمند»

و این باور که یک نوسو جاودانه زنده است در همین شعر وصف شده است. افزون بر بُن‌مایه‌های بالا، در سراسر اشعار جیدی ماجیا حس نوستالژیک و دلتنگی برای میهن احساس می‌شود. دلتنگی برای زادبوم کهن نوسویی نیاکان روح شاعر را در نور دیده است:

1) Kushi

2) Duz-ai

3) Wabuze

«آنگاه این مجموعهٔ نوسویی من
پیشاروی مجموعه‌های نیاکانم خواهد آرمید»
و اعتراف می‌کند که:

«از زبان کهن نوسویی بهره گیر
تا بگویی چقدر دلت برای گذشته تنگ شده»
در خلال این اشعار رویکرد وطن دوستی و عشق به زادبوم کاملاً محسوس است، به ویژه
در شعر «سرزمین»:

«حس می‌کنم که پدر-زمین نوسو-
ما را در گهوارهٔ سنگین‌اش می‌جنبد»
همچنین با اشعاری در ستایش عشق مواجه می‌شویم، مانند شعر «در اشتیاق عشق» یا
اشعاری زیبا و رمانتیک در ستایش مادر در شعر «ترانه‌ای برای مادر» و گره خوردن این حس با
طبیعت ناب پرواز غازهای وحشی، یا در شعر «آرامش»، عمیقاً عشق به مادر با عشق به مام وطن
و زادبوم با هم گره می‌خورند:

«مادر، ای مادرم
اکنون مرا در آغوش گرمت بفشار!»
در پایان، باید یادآور شد که دیگر وقت آن فرا رسیده که جیدی ماجیا افزون بر بهره‌گیری
از سویه‌های رمانتیک و عاطفی، توصیفی و روایی هنر خویش، بهتر است به سویه‌های دیگر
شعر مدرن و فرامدرن همچون روان‌کاوی جدید، نئوسوررئالیسم، شالوده شکنی و به کارگیری
ساختارهای جدید تر و آورد تا به غنای بیشتری در شعر چین دست یابد، حرکتی که در قرن
بیستم در ایران رخ داده، که در چین به دلایل خاص اجتماعی فرهنگی، آن تحول لازم را در
چکادهای شعر کسب نکرده است. به هر رو، نسل جدید شاعران چین در سی سال گذشته،
که جیدی ماجیا و چندین چهره‌ی برجسته‌ی دیگر نماینده‌ی آنند، موجب رشد و شکوفایی
شعر معاصر چین معاصر شده‌اند.

کبوتران پیکاسو

بخشی از منظومه‌ی «من، پلنگ برفی»^(۱) جیدی ماجیا

ترجمه: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پورمطلق

همچون اجزاء شهاب سنگ آسمان فراز سَرَم
تنم در لحظه‌ای
پرتویی را لمس می کند
افروخته در شعله‌های سفید برفی
و شکل من رگه‌ای از آذرخش
همچون ماهی نقره‌ای که دور می شود
از گنبد تاریک آسمان
من فرزند راستین کوه‌های برف خیزم
نگرنده برانزوا
پاینده در زمان نامتناهی گذشته
قوز کرده در میانه امواج سخت تخته سنگ‌ها
به نگاهبانی ایستاده‌ام اینجا
براین رشته کوه سربه فلک کشیده
بی‌گمان خون و تبارم نژاده بود
با تباری از نیاکان پیشین
تولدم معجزه بود
آبستن هزاره‌ها در برف سفید
مرگ من دگردیسه‌ای چرخه‌ای است
از سکوت در این قلمرو برفی

(۱) جیدی ماجیا این مجموعه را به جورج شالر پیشکش کرده است.

George Schaller: جانورشناس، طبیعت‌گرا، هوادار محیط زیست و نویسنده، متولد ۱۹۳۳ است که از سوی مجله‌ی تایم به عنوان یکی از سه پژوهشگر برتر جهان در حوزه‌ی جهان وحش شناخته شد. پژوهش برجسته‌ی او درباره‌ی «من، پلنگ برفی» در سراسر جهان شایسته‌ی تقدیر شناخته شده است.

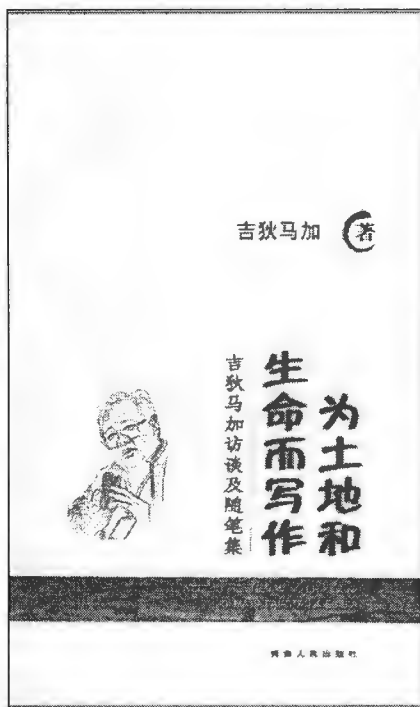
بدان گونه که در نامم هست
 پنهان می شوم در مه و یخبندان بادخیز
 هم قدم می زنم در آگاهی حیات
 اما دور زدنِ حاشیهٔ دیگر حیات
 شکفتن از ژرفای چشمانم
 برق ستاره و شِ نفس هایم
 مرواریدهای اندیشه ام
 با قطره های سپیده دم می آمیزند
 در سوره ای بلند از کتاب آسمانی
 من سطور آغازین نیستم
 رشته کوه ها زمان را شکست می دهند
 با سکوتی که نیز صدای من است
 بدان کلام نوشتاری تعلق ندارم
 معلق از آسمان، با زبان
 من تنها پرتویی از نورم
 که ردی درخشان برجای می گذارد
 مؤمنانه عهد می بندم
 هیچ کلام خائنانه ای هرگز در نخواهد نوشت
 هماره فراسوی مرزها می زیم
 که برخی شکل می گیرند بی هیچ عنصری
 هرگز اینجا را ترک نخواهم کرد
 حتی زمانی که مرگ
 این چکادهای برفی را فرا گیرد

برستغ کوهسار

برستغ کوهسار، ایستاده ام همچون گلی
 سیاه و ظلمانی، همچون ماده و هیچ و پوچ
 سقوط می کنم در هوای نیمه شب
 آزادانه این قلمرو را درمی نوردم
 قلمرو نیاکانم، برالگوی سپری شده
 با رمزِ خون و استخوان



اشعار جیدی ماجیا (۲۰۱۰)



نوشتن برای زمین و زندگی (۲۰۱۱)



ویژه نامه ی جشنواره ی بین المللی شعر چینگ های خو (۲۰۱۱)



روز و شب زبان مادری (۲۰۱۲)

در سوسوی ساعات پیش از سپیده دم
گوش می سپارم به فریاد اشتها
آرام رهسپارم، در راه ساکت و رازگونه ام
تنها در این لحظات
به راستی زنده می کنم
دورانی را که ظاهراً گذشته است...

تماشاگرِ ستاره

تماشاگرِ ستاره در حال سقوط
این بدن، سرگردان در دریای کیهانی
با برق چشم آبی شبح گونه همراه می شود
با روح بی وزن، چونان که آنان عروج می کنند
سوی سطوح همواره بالاتر
پیش از آنکه بدن حتی آغاز کند
پالودن زمین را با پرش آذرخش
آن پاها سرشار از نیروی پُرکشش
ضربه می زنند آهنگی را بر هوای فلزی
در فوج فوج جنبش ها کسی نمی بیند
که نفسم، خاطرات و بوی رازگونه ام
تاکنون این برهوت را می پوشانند، اما مرا نمی جویند
آنجا که هیچ نشانه ای از نقاب نیست

نوسواز آتش سخن می گوید

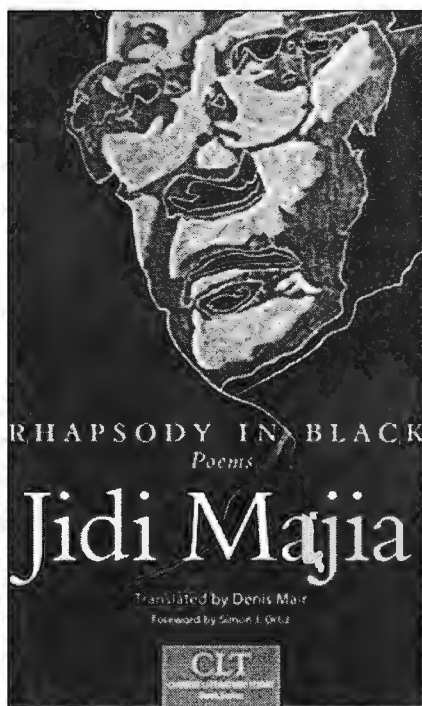
به ما خون ارزانی دار، به ما زمین ارزانی دار
ای قدرت گسترنده پیش از عهد عتیق
به ما الهام بخش، ما را تسلی بخش
بگذار واپسین زادگان، نیاکان را در خواب بینند
تو گرم از ما پرستاری می کنی، به زندگی مدد می بخشی
بُود که نیکخواهی ات را حس کنیم و مهربانی ات را بشناسیم
احترام به خویشن مان را پاس داشته ای



به نام زمین و زندگی (۲۰۱۳)



واژگان آتش (۲۰۱۳)



راپسودی در سیاهی (۲۰۱۴)



من، پلنگ برفی (۲۰۱۶)

ما را از صدمه خوردن به دست دیگران حفظ کرده‌ای
 تواز لدا یذ منع شدی ربی، ما را فرا می‌خوانی، تویک رویایی
 شادی بیکران به ما می‌بخشی
 می‌گذاری با سرخوشی آواز سردهیم
 وقتی جهان آدمی را ترک می‌کنیم
 هیچ نشانه‌ای از او در تودیده نمی‌شود
 چه در فقر زیسته باشیم چه غرقه در ثروت
 تو روح مان را می‌پوشانی
 با جامه‌های آتش

ترانه عامیانه

توده‌ها از بازار به خانه برگشته‌اند
 شعر من اما بازنگشته است
 سرمست بوده است
 با دلی پر بار گام بر می‌دارم
 با دهان زرزین، چنگ در دست
 زیر لبه بام یک خانه
 نزدیک چهارراه در تاریکی
 گوسپندان از کوهسار فرود آمده‌اند
 شعر من اما برگشته است
 قوچ جلویی نگاهی به آن انداخت
 هنگامی که خورشید راه خود را به پایین باز کرد
 داشت تپه‌های خونین را تماشا می‌کرد
 زمان گریستن گذشته بود
 اندوه خوار خویش بود
 همسایه‌ها همه در خواب‌اند
 شعر من اما هنوز به خانه نیامده است
 بر دروازه می‌نشیم و در انتظار آنم
 چگونه می‌توانستم چنین شبی را فراموش کنم؟
